

پیش‌خواب

به بهانه انتشار یادمان آیت‌الله بهاء‌الدین محلاتی

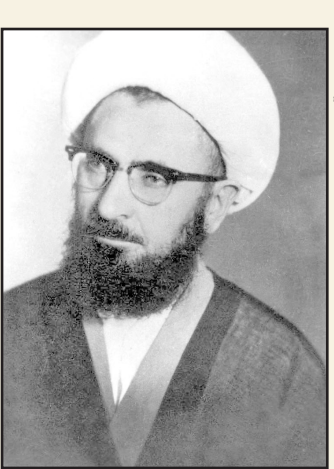
روایتی از ۶دهه مبارزه بااستعمار

■ دکتر محمدجواد مرادی نیا



که قرار است معرف رجال مؤثر انقلاب اسلامی باشد واز نگارنده نیز برای مشارکت و همکاری در این موضوع دعوت کردند. پیشنهاد بدی نبود، چراکه علاوه بر علاقه‌مندی به مباحث حوزه رجال انقلاب، جمع و جور بودن و حجم نه چندان زیاد کتاب‌های مجموعه، وقت زیادی نمی‌گرفت و برنامه‌ریزی برای انجام آن را آسان می‌کرد. در مرحله بعد فهرست پیشنهادی به دستم رسید و باید از آن میان، یک نام را برمی‌گزیدم. فهرست ۴۰- ۵۰نفره را چند بار بالا و پایین کردم تا آنکه چشمم روی نام مرحوم آیت‌الله حاج شیخ بهاء‌الدین محلاتی متوقف شد. راستش نمی‌دانم چرا؟ چون شناخت زیادی هم از آن مرحوم نداشت‌م و فقط می‌دانستم روزگاری در استان فارس، هدايتگر مردم انقلابی آن خطه بوده و در ماجرای بازداشت و حبس امام خمینی در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ نیز چند روزی هم‌بند و همراه امام در عسرت‌آباد و دادویه بوده است.

با مطالعه و بررسی منابع، به شخصیت این روحانی آگاه، عاقل و مبارز علاقه‌مندتر شدم و برایم روشن گردید انتخاب بجایی کرده‌ام. من آیت‌الله بهاء‌الدین محلاتی را مردی یافته‌م «عالم»، «آگاه» و «با تدبیر» که این سه را در راه مبارزه‌ای مقدس به کار گرفت که از اعجاز جان بدان باور داشت و سرناسر عمر طولانی‌اش را از جوانی تا مرگ وقف آن کرد.



زندگیداد آیت‌الله حاج شیخ‌بهاء‌الدین محلاتی شیرازی

آیت‌الله محلاتی مبارزه خویش را از ۲۰سالگی علیه استعمارگران و اشغالگران انگلیسی آغازید و در ادامه معترض استبداد رضا شاهی و محمدرضا شاهی شد.او در این راه زمانی با دلبران تنگستان هم‌رمز بود. لختی با آیت‌الله کاشانی و دکتر محمد مصدق و سرانجام نیز با آیت‌الله خمینی همراه و همگام شدو تا پایین کشیدن محمدرضا شاه از تخت استبداد،دمی نیاپسود. البته پشت سر گذاشتن این مسیر دراز و پریچ و خم، خالی از مخاطره و تهدید نبود، مخاطراتی که آیت‌الله خوب از آنها آگاه بود و با چشمانی باز به استقبالشان می‌شتافت. اما تفاوتی که آیت‌الله محلاتی با برخی دیگر داشت، پختگی و اعتقادش بود، نه کند می‌رفت و نه تند و باورداشت این دو ویژگی، می‌توانند رخنه‌گاه شکست یا انحراف باشند، پس برای پیشگیری از این دو افت، راه میانه را برگزید و این البته به معنای سازش با ظلم و ظالم نبود. به هر ترتیب، نگارنده در این تحقیق کوشید تا با بهره‌گیری از اسناد و مدارک معتبر، در کمال بی‌طرفی که لازم‌ه هر پژوهش علمی است، به باز شناساندن چهره مردی بپردازد که در تاریخ معاصر کشور ما نقشی و سهمی داشته و بر گردن انقلاب ما حقی. اسناد و مدارک بر جای مانده در پرونده مبارزاتی آیت‌الله محلاتی در رساواک، اعلامیه‌ها، نامه‌ها و اطلاعاتیه‌های منتشره در دوران انقلاب، خاطرات مبارزین و همراهان، مندرجات نشریات و اطلاعاتی دیگر – که در متون و آثار تاریخی به دست آمد- منابع عمده این تحقیق بوده‌اند، اما اینها همه، در حکم آینهایی است که فقط سیمای سیاسی این عالم مجاهد را بازتاب می‌دهد و نگفته‌روشن است شخصیت و چهره آیت‌الله محلاتی، از ابعاد دیگری نیز برخوردار بوده که بدون آگاهی از آنها، نمی‌توان به شناخت کاملی از زندگی او دست یافت. بنابراین آنچه خواننده در این اثر با آن آشنا می‌شود، عمدتا کرانامه سیاسی رهبر روحانی و فقید استان فارس است و البته مختصری نیز داشته‌های علمی و مروری هم بر تبار و پیشینه خانوادگی او. تا چه قبول افتد و چه در نظر آید.

عاریخ

کفتدگو ۸۸۴۹۸۴۳۷



نگاهی به سیاست جمهوری اسلامی دربارۀ شرکت ورزشکاران در مسابقات بین‌المللی در دهه نخست تأسیس نظام

تحریم المپیک مسکو

تحریم اشغال و تجاوز بود

به مناسبت برگزاری مسابقات پارالمپیک ۲۰۲۰ توکیو

■ **انوشه میرمعشی**

دقیقا برعکس آنچه در مجامع غربی ادعا می‌شود، بازی‌های ورزشی جهانی از جمله بازی‌های المپیک و پارالمپیک، بسیار ماهیت سیاسی داشته و همچنان دارد. به گونه‌ای که غربی‌ها پیش و پیش از دیگران «جدایی ورزش از سیاست» را نقض کرده‌اند! اما همیشه‌زیان‌انفادشان به عملکرد «اعتقادی و مواضع سیاسی» نظام جمهوری اسلامی ایران برای حضور در عرصه‌های بین‌المللی ورزشی، باز بوده و است. به ویژه عدم رویارویی ورزشکاران ایرانی با نمایندگان رژیم صهیونیستی و با حجاب حاضر شدن بانوان در مسابقات بین‌المللی، مدام از سوی رسانه‌های غربی، مورد سرنش قرار می‌گیرد، اما یکی از حساس‌ترین مقاطع مهم عملکرد نظام جمهوری اسلامی ایران در رابطه با حضور در مسابقات المپیک و پارالمپیک، به دهه نخست عمر نظام جمهوری اسلامی بر می‌گردد. تصمیم و عملکردی که تبعات زیادی در فضای سیاسی داخل کشور داشت و مرور آن می‌تواند برای امروز مادر س‌های بزرگی داشته باشد. در مقال پی آمده، حوادث مربوط به مواضع و عملکرد نظام جمهوری اسلامی ایران در قبال سه دوره المپیک مسکو، لس آنجلس و سن‌تول را از ابتدای تأسیس نظام جمهوری اسلامی تا آخر دهه ۶۰،مورد بازخوانی و تحلیل قرار داده‌ایم. امید آنکه تا تاریخ‌پژوهان و عموم علاقه‌مندان را راقبید و مقبول آید.

■ ■ ■

■ **ورزشکاران به‌علی(ع) اقتدا کنند**

موضوعات و خبرهای ورزشی از جمله مسائلی بوده (و همچنان هست) که از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی مورد توجه عموم مطبوعات، به ویژه روزنامه‌ها قرار داشته است. به شکلی که تقریباً تمام روزنامه‌ها از ابتدای سال ۱۳۵۸، صفحه‌ای را به «ورزش» و انعکاس اخبار برگزاری مسابقات ورزشی و نتایج آن اختصاص داده

اشغال خاک افغانستان و دخالت نظامی شوروی در سرب کویام مجاهدین افغانستانتی، شدیداً علیه این اقدام موضع گرفت و آن را محکوم کرد.

جالب است که در آن مقطع، کشورهای دیگری هم با این اقدام شوروی مخالفت کردند، اما مواضع آنها در محکومیت اشغالگری ارتش شوروی، با ایران اسلامی یکسان نبود. به این معنا که ایران از موضع اسلام خواهی و سیاست حمایت از مستضعفین در برابر مستکبرین، با عنوان اقدام شوروی مخالفت می‌کرد، ولی آمریکا و متحدانش (اعضای تیم ملی وزنه‌برداری و کشتی) به دیدار امام خمینی و به قم رفتند. امام در آن دیدار تجلیل زیادی از ورزشکاران کرد و خطاب به آنها فرمودند: «...و من امیدوارم که شما ورزشکارها همان طوری که قدرت بدنی برای خودتان تحصیل می‌کنید - و ماشاءالله با بازوهای ستبر اینچا الان نشسته‌اید و من هم خیلی خوشم می‌آید- همان طور به علی (ع) اقتدا کنید...»^(۱) این سخن‌اشن امام، بازتاب زیادی در رسانه‌های آن مقطع داشت. جالب است که حتی در آن شرایط انقلابی، توجه به اخبار ورزش بانوان نیز در صفحات ورزشی روزنامه‌ها به وفور دیده می‌شد. مثلاً روزنامه جمهوری اسلامی در شماره ۳۶ خود، به درج سخنرانی شهید آیت‌الله دکتر سیدمحمد بهشتی در کانون اسلامی ورزشکاران پرداخت. شهید بهشتی در بخشی از این سخنرانی گفته بود: «چون ورزش در درجه اول و در آن بعد عمومی و همگانی‌اش، برای هر انسان و هر دختر و پسر وزن و مرد امکان داشتن جسمی توانا را فراهم می‌کند، از نظر ما واجب است...»^(۲)

■ **المپیک مسکو، رفتن یا رفتن؟ مسئله این است!**

اما اولین جریان خبرساز ورزشی در مطبوعات ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی، به انعکاس نظرات موافقان و مخالفان اعزام ورزشکاران جمهوری اسلامی به المپیک مسکو سال ۱۹۸۰م. برابر با ۱۳۵۹ش. مربوط می‌شد. داستان این موافقت و مخالفت هم برمی‌گشت به مسائل مربوط به اشغال کشور افغانستان توسط ارتش اتحاد جماهیر شوروی در دی ماه سال ۱۳۵۸ش. جمهوری اسلامی ایران از همان ابتدای انتشار اخبار مربوط به

بالا، شورای انقلاب اسلامی، این موضوع را در دستور کار خود قرار داد و به این ترتیب در اول اردیبهشت ۱۳۵۹ش. رسماً از سوی شورای انقلاب اعلام شد جمهوری اسلامی ایران، المپیک مسکو را در اعتراض به اشغالگری ارتش شوروی در خاک افغانستان تحریم می‌کند!

■ **دعوی مطبوعاتی موافقان و مخالفان تحریم المپیک**

با اعلام رسمی خبر تحریم المپیک مسکو از سوی شورای انقلاب اسلامی، سازمان تربیت بدنی و کمیته ملی المپیک - که ریاست هر دوی آن بر عهده «حسین شاه حسینی^(۵)» بود- راپزنی‌هایی را با ریاست جمهوری وقت -ابوالحسن بنی‌صدر- و شورای انقلاب آغاز کرد تا شاید بتواند تعدادی از ورزشکاران مدال آور المپیک کشور را به مسکو اعزام کند. پس از آن راپزنی‌ها بنی‌صدر در مصاحبه‌ای اعلام کرد: «اگر شوروی از خاک افغانستان برود، تحریم را لغو می‌کنیم»^(۶) اما شورای انقلاب همچنان معتقد بود چون شوروی اشغالگر است، پس باید تحریم المپیک مسکو پابرجا باشد و هیچ ورزشکاری به آن اعزام نشود! پس از آن مجله کیهان ورزشی ضمن حمایت از تصمیم تحریم المپیک شورایی انقلاب، در سرمقاله خود نوشت: «ما بازی‌های

المپیک را نه به آن خاطر رد می‌کنیم که مثلاً ورزش چیز خوبی نباشد، بلکه به این دلیل است که المپیک را در حال و هوای کنونی، مردود می‌دانیم و اینکه مخارج گزاف برگزاری آن عملاً بر دوش کشورهای فقیر جهان سنگینی می‌کند...»^(۷) حتی بعد از آن و در شماره بعدی، گردانندگان کیهان ورزشی در سرمقاله شماره ۱۳۳۷ که در تاریخ ۱۲ اردیبهشت ۱۳۵۹ش. چاپ شده بودند، نوشتند: «اگر رأی بر عدم شرکت گرفته شد، باید الزاماً این رأی نسبت به المپیک آینده که در خاک امریکا برگزار می‌شود هم تعمیم یابد. چه‌اگر شوروی به خاک همسایه هجوم کرده، امریکا سالیان متمادی است که به خاک خود ما تجاوز می‌کند و دلیلی نیست که در آینده دور یا نزدیک، به خاک ما یا خاک دیگران تجاوز نکند...»

■ **تداوم چالش موافان و مخالفان شرکت در المپیک مسکو**

به هر حال با شروع المپیک مسکو، در کنار درج همچنان دعوی موافقان و مخالفان بر سر اعزام یا عدم اعزام ورزشکار به مسکو، در مطبوعات ادامه داشت، به طوری که «اسداللهی» از سردبیران کیهان ورزشی در مقاله‌ای با عنوان «آن ورزشکاری که اگر المپیک باشد زندگی کند و اگر نباشد بمیرد، همان بهتر که بمیرد!» جواب بسیار تندى به اعتراضات محمدعلی صنعتگران، برای اعزام نشدن و به تبع آن مدال نگرفن اعضای تیم ملی کشتی داد.^(۸) البته از طرف دیگر هم موافقان اعزام ورزشکاران ایرانی به المپیک مسکو حین برگزاری مسابقات، به نوعی مخالفت خود را با تصمیم شورای انقلاب ابراز می‌داشتند. به طور مثال روزنامه «مردم» - ارگان حزب توده ایران - در تاریخ ۱۵ مرداد ۱۳۵۹ش.، در مطلبی با عنوان «صلح، دوستی و تفاهم میان ملت‌ها فاتح گردید» نوشت: «امریکا با سو، استفاده از رویدادهای جشن برادری و دوستی ملت‌ها که چون خاری هر چهار سال، بیش از گذشته در چشمان چنانکتار او فرو می‌رود، عملی کند و با تحریم بازی‌های المپیک، خود را از ضربه شکست در افغانستان رنگ‌نچید بدزد... اما نظام سوسیالیستی برتری عظیم خود را بر نظام سرمایه‌داری نمایاند و صلح و دوستی میان ملت‌ها تفاهم و هم‌رستی مسالمت آمیز را المپیک مسکو پیروز شد!»^(۹)

در واقع روزنامه مردم با درج این مطلب، علاوه بر مخالفت خود با تحریم المپیک مسکو از سوی آمریکا و متحدانش، جمهوری اسلامی ایران را هم به خاطر تحریم بازی‌ها - البته از موضع اسلامی - به شکست در عرصه دوستی و تفاهم بین ملت‌ها متهم کرده بود. در ضمن در چند شماره بعد هم دوباره روزنامه مردم در مطلبی با عنوان «شکوه آرمان‌های المپیک^(۱۰)»، در تاریخ ۲۶ مرداد ۱۳۵۹ش.، در ذیل دادن گزارش از روند برگزاری المپیک و نتایج مختلف ورزشی، به شکلی تلویحی اعتراض خود را به تحریم المپیک از سوی شورای انقلاب بیان داشت. به هر تقدیر در آن سال، ایران و ۸۱ کشور آلبوک غرب (بر المپیک مسکو شرکت نکردند.

■ **تحریم المپیک لس آنجلس، برای رساندن فریاد اعتراض!**

بعد از پایان المپیک مسکو، حوادثی در ایران به وقوع پیوست که باعث شد مواضع ضد امریکایی ایران را پررنگ‌تر کند. حمله ارتش بعث عراق به خاک وطن، اشغال خر مشهر و حمایت همه جانبه مالی، تسلیحاتی و سیاسی امریکا از اقدامات صدام، به علاوه تشدید تحریم‌های اقتصادی این کشور علیه ایران اسلامی، موجب ایجاد نفرت عمیق‌تر مردم از سیاست‌های استکباری امریکا شد. بعد از آن نیز رویارویی منافقین با مردم و به شهادت رساندن مسئولان نظام و حتی مردم عادی و حمایت امریکا از تروریست‌های سازمان مجاهدین خلق، باعث اعتراض شدید ایران علیه امریکا به مجامع بین‌المللی شد. اما از آنجا که مجامع بین‌المللی اقدامی در محکومیت امریکا نکردند، نظام جمهوری اسلامی به فکر پیدا کردن راه‌های دیگری برای رساندن فریاد اعتراض خود به گوش مردم جهان افتاد.

یکی از این راه‌ها، تحریم المپیک لس آنجلس (امریکا) در سال ۱۳۶۳ش. و در اوج جنگ تحمیلی عراق علیه ایران بود. البته در آن سال، این تنها ایران نبود که المپیک لس آنجلس را تحریم می‌کرد، زیرا در آن سال کشور شوروی و ۱۴ کشور بلوک شرق

۹۶۲۸۶ | روزنامه جوان | شماره

هم آن را تحریم کردند! این بار نیز منطق ایران، با سایر تحریم کنندگان متفاوت بود. کشور ما به دلیل رساندن فریاد اعتراض خود به سیاست‌های ظالمانه امریکا علیه نظام جمهوری اسلامی و کشورهای بلوک شرق به دلیل رقابت‌های سیاسی و قدرت طلبانه با بلوک غرب، به چنین تحریمی پیوستند. جالب است که قبل از شروع مسابقات المپیک لس آنجلس، شعارهای «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی» و «ما بازی نمی‌کنیم» در راهپیمایی‌ها و نماز جمعه‌های سراسر کشور، از سوی مردم انقلابی بسیار تکرار می‌شدا به همین شکل هم وقتی اخبار مربوط به تحریم المپیک لس آنجلس در مطبوعات ایران درج شد، آنقدر کشور و حتی جامعه ورزشی درگیر مسائل جنگ و حوادث داخلی بود که اخبار مربوط به بازی‌های المپیک، بازتاب چندانی میان رسانه‌ها و مردم نداشت.^(۱۱)

■ **درخشش پارالمپیک‌های ایران در سن‌تول**
پس از سپری شدن دو دوره وقفه، در سال ۱۳۶۷ش. کاروان ایران در بازی‌های المپیک سن‌تول (۱۹۸۸م.) حضور پیدا کرد. در این دوره کاروان ایران، ۲۷ ورزشکار داشت و با تک مدال نقره عسکری محمدیان در رشته کشتی و قرار گرفتن در رده سی‌وششم، به کار خود خاتمه داد.^(۱۲) اما شاید نکته جالب‌تر از مدال نقره محمدیان، اولین حضور ورزشکاران ایرانی در مسابقات پارالمپیک سن‌تول بود. در این دوره ورزشکاران معلول و جانباز ایرانی، در چهار رشته والبال، نشسته، دو میدانی، وزنه‌برداری آرد چند وزن و تو گتیار شرکت کردند و توانستند در این مسابقات، مدال طلا یک نقره و ۳ برنز به دست بیاورند! ایند نتایج در خشان در نخستین حضور پارالمپیک‌های ایرانی، نه تنها مردم و مسئولان ایرانی را بسیار خوشحال کرد که حتی مسئولان پارالمپیک را هم شگفت‌زده کرد!

■ **ورزش از عقیده و سیاست جدا نیست!**
مرور تصمیمات و کارکردهای کشورهای قدرتمند در زمینه مسابقات ورزشی بین‌المللی، به عیان نشان از این مطلب دارد که «ورزش» برای آنان به عنوان ابزاری جهت تحقق اهداف سیاسی‌شان مطرح است و اینکه شعارهایی همچون «ورزش ابزار توسعه صلح پایدار» و «جدایی ورزش از سیاست» تنها جملات زیبایی است که عدم پایبندی کشورهای قدرتمند به آن برای بسیاری از مردم جهان روشن شده است. حالا بر این اساس، باید این پرسش مطرح شود، چرا باید نظام جمهوری اسلامی ایران برای پایبندی به اصول عقیدتی و سیاسی خود، در صحنه‌های ورزشی دنیا محکوم شود؟ و عده‌ای نیز در داخل، سخنان دشمن‌پسند را تکرار کنند؟ چطور متذکران و معترضان پایبندی نظام به اصول اعتقادی و سیاسی خود را عامل تضعیف ورزش و ورزشکاران می‌دانند؟ مثلاً برای اثبات دروغ بودن این ادعا که «ورزش ایران به دلیل عدم شرکت در دوره المپیک مسکو و لس آنجلس، دچار افت شدید و ناکارایی شد» فقط کافی است نتایج حضور ایران در المپیک مونترال در سال ۱۹۷۶م. (۱۳۵۵ش.) را با نتایج حضور در المپیک و پارالمپیک سن‌تول (۱۳۶۷ش.) مقایسه کنیم: ایران در المپیک مونترال در سال ۵۵، تنها یک مدال نقره توسط منصور برزگر در کشتی و یک مدال برنز در وزنه‌برداری کسب کرده، اما در المپیک سن‌تول و بعد از دو دوره عدم شرکت در مسابقات المپیک، علاوه بر مدال نقره محمدیان در کشتی، چندین مدال رنگارنگ در پارالمپیک کسب کرد. در نهایت باید به این مهم اشاره کرد که ایران اسلامی نه بر اساس عملکرد دو گانه و منافقانه کشورهای قدرتمند که بر اساس مبانی عقیدتی و خلق فرهمزای سیاسی خود، شکل و نحوه حضور در بازی‌های ورزشی بین‌المللی از جمله بازی‌های المپیک را مشخص می‌کند و مسائلی همچون رویارو شدن با نمایندگان رژیم اشغالگر صهیونیستی و رعایت حجاب از سوی بانوان ورزشکار... نمی‌تواند بهانه‌ای برای سرنش نظام جمهوری اسلامی ایران باشد.

منابع:

- صفحه‌امام، جلد ۷، ص ۲۶۳
- روزنامه جمهوری اسلامی، شماره ۳۶، مورخ پنج‌شنبه ۲۱ تیر ۱۳۵۸ش.، ص ۸
- هفته‌نامه کیهان ورزشی در آن زمان به عنوان *مجله‌ای* از مجموعه مجلات مؤسسه کیهان، زیر نظر شورای سردبیری یعنی آقایان فریدون شیپانی، محمود حدادی، اسداللهی منتشر می‌شد.
- جمهوری اسلامی، شماره ۲۵۷، مورخ ۳۱ فروردین ۱۳۵۹ش.، ص ۵
- «حسین شاه حسینی» نخستین رئیس سازمان تربیت بدنی و کمیته ملی المپیک پس از انقلاب است. او دانش آموخته رشته شیمی از دانشگاه تهران بود و از جوانی به پیوستن به جبهه ملی مبارزات سیاسی خود را آغاز کرد. شاه حسینی حکم خود را از مرحوم بازرگان در یافت کرد، اما بعد از استعفای دولت موقت، همچنان شاه حسینی به فعالیت خود به عنوان رئیس سازمان تربیت بدنی تا اواسط سال ۱۳۵۹ش. ادامه داد.
- کیهان ورزشی، شماره ۱۳۳۵، ص ۸
- کیهان ورزشی، شماره ۱۳۳۶، ص ۳
- کیهان ورزشی، شماره ۱۳۴۸، ص ۷ و ۶
- روزنامه مردم، شماره ۳۰۱، ص ۷
- روزنامه مردم، شماره ۳۰۹، ص ۵
- ۱ - بر شهری فیض آبادی، مهدی، *مقاله «طالعاه تطبیقی دیپلماتی ورزش در توسعه روابط خارجی ایران و کشورهای منتخب»*، فصلنامه دانش سیاسی، شماره ۲۹ و ۳۰، بهار و تابستان ۱۳۹۸ش.
- ۱۲ - پایزاد، علی، *مقاله «عکس‌ها روایت می‌کنند: ورزشکاران المپیک‌های ایران از ۱۹۴۸ تا ۲۰۲۰ توکیو»*، خبرگزاری جمهوری اسلامی (ایرنا)، مورخ ۱۷ مرداد ۱۴۰۰، کد خبر ۸۴۴۲۹۰۱



نقشی از المپیک مسکو که ایران آن را تحریم کرد